

بی‌سوادی کریم‌خان یا بی‌کفایتی و خودشیفتگی باسوادان امروز ؟!

ادامه از صفحه یک
آیا کسی که بجران را به‌خوبی توضیح می‌دهد، اما در ارائه راه‌حل مؤثر ناتوان است، الزاماً اقتصاددان موفق است؟ آیا کسی که برای هر ناکامی، مجموعه‌ای از دلایل بیرونی و ساختاری ردیف می‌کند، اما درباره سهم تصمیم‌های مورد حمایت خود سخنی نمی‌گوید، باید صرفاً به اعتبار عنوان تخصصی‌اش مورد اعتماد قرار گیرد؟ آیا تسلط بر نظریه‌ها، بدون توان تبدیل آن‌ها به سیاست‌های مؤثر و قابل ارزیابی، برای ادعای فضل کافی است؟ این‌ها پرسش‌هایی جدی‌اند و پاسخشان با طعنه به فرمانروایان گذشته داده نمی‌شود.
تریبون عمومی، به‌ویژه برای کسی که خود را صاحب‌نظر می‌داند، مسئولیت می‌آورد؛ نه آنکه هر جمله جنجالی را به نشانه جسارت فکری تبدیل کند.

کریم‌خان را نباید بی‌خطا و قدیس تصویر کرد. او نیز در زمانه خود با جنگ، رقابت‌های قدرت، مجازات و اجبار روبه‌رو بود و در مواردی به خشونت متوسل شد. تاریخ‌نگاری منصفانه، میان رفتار شخصی و کارنامه عمومی فرق می‌گذارد. یک عادت شخصی، حتی اگر مستند باشد، به‌تنهایی سیاست‌های اقتصادی، نحوه اداره شهرها، برخورد با قحطی یا تلاش برای بازگرداندن ثبات را باطل نمی‌کند. اگر قرار باشد شخصیت‌ها را با یک صفت تعریف کنیم، دیگر چیزی از تاریخ‌نگاری باقی نمی‌ماند؛ تاریخ به دفتر ثبت عیب‌های فردی تبدیل می‌شود.

این کریم‌خان بود که عنوان «شاه» را با عنوان «وکیل الرعایا» جایجا کرد ودرحقیقت گفتمان شاهی را به گفتمان مردم داری تغییر داد. اقدامی که در سنت سیاسی آن روزگار، معنایی همپایی یک انقلاب داشت. فرمانروا می‌توانست به‌جای نمایش شکوه سلطنت، خود را در مقام متصدی امور مردم معرفی کند. روایت‌های تاریخی همچنین از ساده‌زیستی او، پرهیزش از تصاحب اموال بادآورده و تقسیم سکه‌های کشف‌شده در جریان بازسازی شیراز میان کارگران حکایت دارند. این گزارش‌ها باید با روش تاریخی بررسی شوند، اما در کنار سیاست‌های مربوط به قحطی، تجارت و بازسازی شهر، تصویری از حکمرانی به دست می‌دهند که ارزش بررسی جدی دارد؛ نه تمسخر شتاب‌زده.

مسئله فقط کریم‌خان نیست؛ مسئله، نسبت ما با میراث تاریخی و هویت مشترک ایرانی است. کریم‌خان زند، با خاستگاه لری خود، بخشی از تاریخ ملی ایران است. اعتراض کاربران لر به سخنان تحقیرآمیز درباره او را نمی‌توان صرفاً حساسیت قومی دانست. وقتی یک چهره تاریخی به ابزاری برای تحقیر تبدیل می‌شود، بخشی از جامعه احساس می‌کند سهم و منزلت تاریخی‌اش نادیده گرفته شده است. البته هیچ شخصیت تاریخی به دلیل تعلق قومی از نقد مصون نیست؛ اما نقد باید بر سند و استدلال تکیه کند، نه بر تحقیر هویت. احترام به تاریخ نیز به معنای بستن راه پرسش نیست؛ به معنای آن است که پرسش را جدی‌تر، مستندتر و مسئولانه‌تر مطرح کنیم.

و سرانجام، پرسش اصلی همچنان پابرجاست: اگر کریم‌خان بی‌سواد بود، حاصل سواد مدعیان امروز برای مردم چه بوده است؟ چه اندازه از دانش اقتصادی به ثبات قیمت‌ها، حفظ قدرت خرید، تقویت تولید و کاهش نااطمینانی منجر شده است؟ چه کسی باید فاصله میان وعده‌های اقتصادی و تجربه واقعی مردم را توضیح دهد؟ و چرا گاهی در فضای کارشناسی ما، نقد یک فرمانروای سه قرن پیش آسان‌تر از نقد کارنامه سیاست‌هایی است که امروز بر زندگی میلیون‌ها ایرانی اثر می‌گذارد؟

اقتصاد بدون دانش و روش علمی، به حدس و شعار فرو می‌غلتد؛ اما دانش بدون مسئولیت و پاسخ‌گویی نیز می‌تواند به نمایش فضل تبدیل شود. آنچه جامعه نیاز دارد، نه اقتصاددانان کم‌سواد، بلکه اقتصاددانانی است که دانش خود را به حل مسئله پیوند بزنندنه صاحبان تریبونی که از گذشته برای تحقیر استفاده می‌کنندبلکه صاحب‌نظرانی که حاضر باشند ادعاهای خود را در برابر شواهد و نتایج قرار دهند. حق هر پژوهشگر و تحلیلگری است که درباره گذشته پرسش کند. اما اگر قرار است از سواد سخن بپساییم، باید از خودمان هم بپرسیم، سواد چه کسی و به چه کار آمده است؟ فرمانروایی که در روز قحطی، غله را به‌بهای تعیین‌شده به دست مردم رساند، ودرمشتن را از گرسنگی نجات داد وامنیت را به ارمان آورد استحقاق عنوان حکمت وعدالت را دارد وتاریخ بدرستی درخصوص شیوه حکمرانی اش باحسرت قضاوت میکند. مدعیان امروز نیز باید نشان دهند دانششان در کجا و چگونه به زندگی مردم یاری رسانده است.

اگر کریم‌خان در معیارهای آموزشی امروز بی‌سواد بود، دست‌کم در روزگار قحطی قوی‌بود که اولویت حکومت، سیر کردن مردم است؛ در روزگار ما، با این‌همه مدرک و عنوان و نظریه، هنوز باید پرسید چرا هزینه خطاهای اقتصادی را مردم می‌پردازند. شاید پیش از آنکه به بی‌سوادی گذشتگان بختیم، بد نباشد کارنامه باسوادان امروز را روی میزقضاوت بگذاریم.۰



خبرگزاری آرم‌ن‌پرس از ورود پزشکیان به فرودگاه بین‌المللی زوارتنوتس ایران خبر داد و اعلام کرد مهر گریگوریان، معاون نخست‌وزیر ارمنستان، از رئیس‌جمهور ایران استقبال کرده است. محور اصلی این سفر، حضور در اجلاس رهبران کشورهای عضو کنوانسیون تنوع زیستی است، اما فرصت رایزنی‌های دوجانبه و بررسی روابط ایران و ارمنستان در حاشیه این رویداد چندجانبه نیز فراهم شده است.

جنگ به‌مثابه نسل‌کشی زیست‌محیطی

پزشکیان در سخنرانی خود در اجلاس سران کنوانسیون تنوع زیستی، جنگ را نه فقط تهدیدی برای انسان‌ها و زیرساخت‌ها، بلکه عامل مستقیم نابودی طبیعت دانست. وی گفت: جنگ جنگل‌ها را می‌سوزاند، تالاب‌ها را تخریب می‌کند، خاک و آب را آلوده می‌سازد، زیستگاه‌ها را از میان می‌برد، گونه‌های جانوری را آواره می‌کند و مواد شیمیایی و فلزات سنگین را وارد چرخه‌های طبیعی می‌کند. رئیس‌جمهور با محکوم کردن آثار مخرب جنگ‌های تجاوزگرانه بر طبیعت، آن را «اکوساید یا نسل‌کشی زیست‌محیطی» خواند و از جامعه بین‌المللی خواست سازوکارهای مؤثر، شفاف و قابل اجرا برای حفاظت از میراث طبیعی و تنوع زیستی در زمان جنگ ایجاد کند. وی تأکید کرد آنچه در منطقه به‌واسطه جنگ‌های تجاوزگرانه اتفاق افتاده، نسل‌کشی زیست‌محیطی است که باید محکوم شود.

یکی از کلیدی‌ترین بخش‌های سخنان پزشکیان، درخواست‌او از جامعه جهانی بود: «جامعه‌بین‌الملل بپذیرد که کشورهای تحت‌تحریم یا در معرض تجاوز نظامی، نباید به‌تنهایی هزینه‌های زیست‌محیطی جنگ و تحریم را بپردازند.» این موضع‌گیری پیوندی مستقیم میان مسائل محیط‌زیستی، تحریم‌ها و امنیت برقرار کرد و حفاظت از تنوع زیستی را به عرصه «دیپلماسی صلح» متصل ساخت. پزشکیان حفاظت از تنوع زیستی را پلی میان ملت‌ها دانست و گفت این همکاری می‌تواند مسیر دستیابی به صلح و امنیت برای همه، صلح با طبیعت و آینده‌ای همسو با طبیعت را هموار کند. وی همچنین بر ضرورت تأمین منابع مالی کافی، دسترسی عادلانه به دانش و فناوری و ظرفیت‌سازی تأکید کرد و هشدار داد بدون این پیش‌نیازها، تعهدات بین‌المللی در حد مذاکره، قطعنامه و تعیین اهداف باقی خواهد ماند.

ابعاد دوگانه سفر: محیط‌زیست و سیاست همسایگی

سفر پزشکیان به ارمنستان در چارچوب سیاست همسایگی دولت چهاردهم قابل تحلیل است. ایران ارمنستان به‌عنوان دو کشور همسایه، ظرفیت‌های

«ابتکار» سفر رئیس‌جمهوری به ارمنستان را بررسی می‌کند

ماموریت دوگانه پزشکیان در ایران

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، روز جمعه برای شرکت در اجلاس سران هفدهمین کنفرانس اعضای کنوانسیون تنوع زیستی سازمان ملل متحد (COP1۷) وارد ایران شد. این سفر که در رسانه‌های منطقه‌ای یا محوریت حضور او در این اجلاس بین‌المللی بازتاب یافته، فراتر از یک رویداد زیست‌محیطی صرف ارزیابی می‌شود و ابعاد سیاسی، دیپلماتیک و منطقه‌ای قابل توجهی دارد.



می‌شود که منطقه با چالش‌های متعدد امنیتی و زیست‌محیطی روبه‌روست. موضع‌گیری پزشکیان درباره هزینه‌های تحمیلی تحریم و جنگ بر محیط‌زیست، می‌تواند با استقبال کشورهاییا مواجه شود که خود تحت فشارهای مشابه قرار دارند. در عین حال، این سخنان ممکن است با واکنش قدرت‌های حامی تحریم‌ها روبه‌رو گردد.

در سطح دوجانبه، سفر رئیس‌جمهور به ارمنستان به تقویت اعتماد متقابل و تعمیق همکاری‌ها کمک می‌کند. ایران همواره بر حفظ تمامیت ارضی کشورهای منطقه و مخالفت با هرگونه تغییر ژئوپلیتیک که منافع ملی‌اش را تهدید کند، تأکید داشته است. حضور فعال در ایران می‌تواند به تثبیت این مواضع در معادلات قفقاز جنوبی یاری رساند.

ماموریت پزشکیان در ارمنستان ترکیبی از

دیگری مانند اشراف بر تنگه هرمز، انسجام ملی، تاب‌آوری اجتماعی و اقتصادی و داشتن چشم‌انداز روشن از آینده نیز در بازارندگی مؤثرند. قوی شدن باید هم در ذهن خودمان باور شود و هم در ذهن دشمن تثبیت گردد.

وی توضیح داد که در چرخه جنگ، مذاکره و صلح، معادله جدیدی تعریف شده است: جنگ، مذاکره و بازارندگی. هرگاه این چرخه قوی شود، جنگ پایان می‌یابد و کشور به بازارندگی پایدار می‌رسد.
قالیباف به تفاهم‌نامه اشاره کرد و گفت چون به آمریکایی‌ها اعتماد نداشتیم، آن را دو مرحله‌ای تنظیم کردیم. ابتدا آمادگی جنگی ایجاد شد، خوب چنگیده شد و به برتری راهبردی رسیدیم، سپس آمریکا مجبور به پذیرش تفاهم شد. این سند شکست برای آمریکا بود و پیروزی میدان را از نظر حقوقی و سیاسی تثبیت کرد. این تفاهم فرصت و منابع لازم را برای تقویت مولفه‌های قدرت، از جمله تاب‌آوری اقتصادی و تقویت جبهه مقاومت، فراهم آورد.

رئیس مجلس تأکید کرد آمریکا باید به خاطر عهدشکنی تنبیه شود، تغییر رفتار دهد و خواسته‌های بحق ملت ایران را بپذیرد. در پایان، قالیباف بر ضرورت وحدت کلمه حول رهبری، انسجام اجتماعی حداکثری و کمک به دولت در حوزه معیشت تأکید کرد تا سختی‌های مردم به روزهای شیرین و آینده‌ای روشن تبدیل شود.
به باور او، مذاکره و جنگ هر دو ابزار رسیدن به بازارندگی هستند و تنها راه دور کردن تهدید از کشور، دستیابی به بازارندگی پایدار است.

هم‌می‌جنگیم و هم مذاکره می‌کنیم

ابتکار -محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس در گفت‌وگوی ویدئویی با مردم تأکید کرد که استراتژی ایران ترکیبی از آمادگی برای جنگ و مذاکره است، اما این به معنای جنگ بی‌پایان یا مذاکره همیشگی نیست. به گزارش ایرنا، وی گفت هدف آن است که با جنگ دشمن را مستأصل کنیم تا مجبور شود به خواسته‌های بحق ملت تن دهد یا شکست را بپذیرد و امتیازاتی بدهد که قدرت بازارندگی کشور را افزایش دهد.

قالیباف با اشاره به این پرسش که آیا مذاکره و امضای سند با آمریکا می‌تواند مانع حمله مجدد شود، پاسخ منفی داد. وی تأکید کرد آمریکایی‌ها در رفتارها و آخرین اقدامات خود نشان داده‌اند که خلف وعده می‌کنند و هرگز پای توافق و امضای خود نمی‌مانند. در عین حال، صرف جنگ و بالا بردن تنش نیز کافی نیست و دشمن را از اهدافش منصرف نمی‌کند.

رئیس مجلس دشمنی آمریکا با ایران را عمیق توصیف کرد و گفت خوی استکباری و اشنگتن اجازه نمی‌دهد یا پس بکشد. راه چاره را ایجاد بازارندگی پایدار دانست؛ به این معنا که ایران آن‌قدر قوی شود که آمریکا، منطقه و جهان بفهمند نمی‌توانند به اهداف خود برسند و جرأت حمله نداشته باشند. وی به تجربه هشت سال دفاع مقدس اشاره کرد که پس از آن برای چند دهه هیچ‌کس جرأت حمله به ایران را پیدا نکرد.

قالیباف تصریح کرد قوی شدن صرفاً نظامی نیست. اولویت نظامی مهم است و در جنگ‌های اخیر قدرت آتش، آفتد و دفاع هوایی افزایش یافته و دشمن آسیب جدی دیده است. اما مولفه‌های

سیاست روز

خبر

پیام رهبر انقلاب به مناسبت روز پرستار

پرستاران؛ فرشته‌های رحمت و امید



ماموریت

پزشکیان در

ارمنستان

ترکیبی از

دیپلماسی

محیط‌زیستی

ودیپلماسی

همسایگی

است.سخنرانی

او در اجلاس

تنوع زیستی،

جنگ را به

مسئله‌ای فراتر

از تلفات انسانی

ارتقا داد و آن

را نسل‌کشی

زیست‌محیطی

نقید

حضرت آیت الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت سالروز میلاد حضرت زینب سلام‌الله‌علیها و روز پرستار، نقش بانوان و دختران زینبی ایران اسلامی در دوران بعثت بی‌بدیل ملت ایران را شگفت‌آور خواندند و با اشاره به نقش احیاگر و امیدبخش پرستاران و تأثیرگذاری مهم آنان در سلامت و امنیت جسمی و روحی جامعه، مسئولان حوزه سلامت را به توجه ویژه به جامعه پرستاری توصیه کردند.

متن کامل پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت ولادت حضرت زینب (س) و روز پرستار به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

پنجم جمادی‌الاولی در هر سال، یادآور میلاد مبارک بانویی است که در سایهٔ محبّت و تربیت و ملازمت خُمسۀ طَیّبه صلوات‌الله‌وسلامه‌علیهاوعلیهم که برترین‌های خلقت الهی بشمار می‌روند بالید. پرورش و رشد زینب کبری سلام‌الله علیها در این مکتب توانی در طمّ بیش از پنجاه سال، آن‌چنان جلوه‌ای رنگارنگ از عناصر شرافت و برتری در این ستارهٔ درخشان اعصار بُروز داد که همواره مایهٔ تمجید و تحسین و مباحات اولیاء الهی بوده است. اوج این درخشش در حُماة عاشورا رخ داد. از یک سو بدل بی‌مُنتهای شفتت و خیرخواهی و غمخواری صبورانه نسبت به مظلومان دشت کربلا؛ و از سوی دیگر از ارجمندترین نمادهای صلابت و شجاعت بودن.

تاریخ نهضت و انقلاب اسلامی از ابتدا، مملوّ از صحنه‌های حضور زینبی بانوان و دختران ایران است. این امر در دورهٔ بعثت بی‌بدیل مِلّت که در دفاع مقدّس سوّم رقم خورد، کِیفِیت و کمِیّتِ شگفت‌آور یافت. اینک بانوان زینبی ایران اسلامی، با حضور پررنگ خود در عرصه‌های مختلف به‌خصوص صلوات‌الله‌وسلامه‌علیهم‌جمعین بوده از سر ملاحظهٔ وجه مهربانی و هم‌زبانی با دردمندان و فداکاری ورزیدن نسبت به ایشان، بحق روز بزرگداشت مقام پرستار دانست‌اند. چرا که بسیاری از این صفات اخلاقی و ارزش‌های انسانی در قشر زحمت‌کش و ارزشمند پرستار مشهود است. نقش پرستار همچون بعضی دیگر از اقشار از قبیل اطباء، معلمین و مریّیان، روحانیون، و امدادگران، نقشی احیاگر و امیدبخش است. از این رو به پرستار، گاه چون فرشتهٔ رحمت نگریسته می‌شود و آن، وقتی است که در برابر کج‌خلقی و بی‌تابی اشخاص دردمند و زنجور، موجدات آرامش و امید و بهبود و علاج بیماران و در نتیجه، نزول رحمت الهی را فراهم می‌سازد.

البته نقش پرستاران در درمان بیماران برخلاف طبیبان، نیازمند حضوری ممتد، پیگیرانه، و صبورانه است. تأثیر این قبیل حضور فراتر از امورات جسمی بوده و مرهم آلام روانی و روحی، و مانع از غلبهٔ ناامیدی در بسیاری از موارد خواهد بود. این‌گونه است که آنچه از عهدۀ طبیبان خارج است، با ایفاء این نقش دلسوزانه به انجام می‌رسد. در زمانه‌ای که شبکهٔ خِیث استکبار از هیچ سعی برای وارد ساختن انواع ظلم و جنایت بر مِلّت‌های آزاده و مقاوم خصوصاً مِلّت ایران خودداری نمی‌کند و از جمله با ایجاد انواع محدودیت‌های مربوط به امور درمان و دارو به دنبال تحمیل رنج بر مِلّت بزرگ ایران است، توجّه به پرستاران، تقویت جامعهٔ پرستاری، حفظ و ارتقاء دانش، مهارت، توان، نشاط، انگیزه، و کرامت پرستاران خصوصاً آنّها که خود را وقف تلاش در نهادهای غیرخصوصی کرده‌اند، تأثیر همّی بر سلامت و امنیّت جسمی و روحی جامعه دارد. از این رو انتظار است که مسئولان عرصهٔ سلامت در امتداد رفتارهای متعهدانهٔ خود، این امور مهم را دارای اولویّت بدانند.

بنده این دو مناسبت را به مِلّت عزیز، بانوان وظیفه‌شناس و پر ارادهٔ میهن اسلامی و به‌طور خاص به خواهران و برادران پرستار تبریک عرض می‌کنم. در پایان برای شهدای مظلوم و فداکار جامعهٔ پرستاران خصوصاً شهدای پرستار در جنگ‌های تحمیلی دُوم و شهید فتنهٔ دی‌ماه ۱۴۰۴، رحمت الهی را مسئلت نموده و امیدوارم با دعای شرومان عَجَلّ‌الله تعالی فرجه‌الشریف، خداوند متعال به مِلّت ایران، عزّت و اقتدار بخشد و پیش و هر آنچه که شایستهٔ پیروی از مکتب زینب سلام‌الله علیها است را عنایت فرماید.